

و اسلک ان تصلى على عبدك المنتجب و رسولك المنتخب سيدنا الاعظم
 و نبينا المعظم ابي القاسم محمد و على اله الطيبين الطاهرين المعصومين و
 لعنة الدائمة الابدائية على اعدائهم و مخالفينهم و معاندينهم الى يوم الدين .
 و من يتق غير الاسلام دينا فلن يقبل منه و هو في الآخرة من الخاسرين .
 مرور و اشاره ای بد آنچه گفته شد، اسلام به معنای سالم سازی است و خداوند این
 این را برای ایجاد سلامت در بین مردم نازل فرموده است اما برداشت ما از مفهوم
 سلامت چیست وقتی که صحبت از سلامت می شود تصور ما این است که هر کس جسما
 درد و مرضی نداشته باشد و به عبارت دیگر جسما بیمار نباشد به آن شخص فرد سالم
 اطلاق می شود ولی سلامت در این حد برای انسان کافی نیست بلکه انسان باید از تمام
 جهات سالم باشد .

بدن سالم با فکر و روح بیمار به درد نمی خورد، پس باید فکر و روح انسان نیز سالم
 باشد. در قران مقدس نفاق بگونه مرض معرفی شده که می فرماید: فی قلوبهم مرض
 فزادهم الله مرضاً یعنی افراد منافق دلشان بیمار است و این نفاق هر روزی بیماری آن ها
 را افزایش می دهد.

چنانچه گفته شد اسلام نظر به تمام جهات دارد در درجه اول می خواهد فکر مردم
 را سالم کند و بیماری فکری مردم را علاج کند از این نظر توحید را ارانه می کند که توحید
 و یکتا پرستی موجب سلامت فکر است و بعد در جهت روح مردم ارانه طریق نموده و
 می فرماید روح و قلبی که غرائض در آن کنترل شده و مهار شده نباشد بیمار است.

اسلام برای معالجه روح مردم خیلی بافشاری دارد تا جایی که در سوره مبارکه جمعه
 می خوانیم: بسم الله الرحمن الرحيم هو الذي بعث في الامم منهم نبيهم يتلو عليهم آياته و
 يركبهم ويعلمهم الكتاب والحكمة: یعنی خداوند این پیامبر را از میان خود مردم
 برانگیخت تا هم بیمار بهای فکری مردم و هم بیمار بهای روحی مردم را علاج و همچنین
 به مردم سلامت اخلاقی و علمی ببخشد و از طریق تلاوت قران آيات و توجه مردم به آيات
 خدا و در نتیجه توجه مردم به توحید، فکر و عقل مردم را سالم کند.

و یزکیهم در جهت تزکیه روح و اخلاق آمده یعنی اینکه اخلاق مردم، بدن و محیط و
 اقتصاد و اجتماع و سیاست و نظام و مردم را پاکیزه کند و تمام شؤون و جوانب نور سلامت
 و روح سلامت بدهد.

مدینه فاضله

سید محمد خلیف قوام

پرتال جامع علوم انسانی



حمد نمی خوانید؟! که در آن می گویند الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ و بدانید اولین صفتی که خداوند در قرآن برای خود

ذکر می کند همین صفت رحمت است و یاد در اول قرآن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ است حال ببینیم صفت این



بسیار پس اسلام برای علاج بیماری های روحی مبارزه با صفات بد است و مبارزه با صفات بد از خودشناسی و شناختن دلایل دروغ و همه به خاطر این است که ضعف خود را دروغ بگویند و هرگز رویه هیچ وجه دروغ نمی گویند. صفت هیچ نشان نداشتی کافی برای شهادت خلق عظیم تو

بسیار پس اسلام برای علاج بیماری های روحی مبارزه با صفات بد است و مبارزه با صفات بد از خودشناسی و شناختن دلایل دروغ و همه به خاطر این است که ضعف خود را دروغ بگویند و هرگز رویه هیچ وجه دروغ نمی گویند. صفت هیچ نشان نداشتی کافی برای شهادت خلق عظیم تو

جامعه ای اگر خود متوجه اخلاق خودش باشد احتیاج به تبلیغ ندارد چون خود راست گفتن و درستکاری و امانتداری هر کدام در جای خود یک تبلیغ و ترویج هستند. من مخصوصا تاکیدم روی خانه ها و خانواده هاست چون جامعه از خانواده ها تشکیل می شود اگر شما خانواده ها را مراقبت کردید هر چه در این خانواده ها رشد کرده و تحویل جامعه شود صالح خواهد بود فلذا جامعه ای صحیح و سالم خواهیم داشت.

پس به لحاظ تربیتی خیلی باید دقت داشته باشیم بر اینکه پدر و مادر جلوی بچه ها دعوا و نزاع نکنند و همچنین در حضور بچه ها دروغ گفته نشود و حتی المقدور از طریق مثبت باشد. متخصصین تربیت می گویند اگر چنانچه یک بچه ای به خاک خوری عادت کرد نباید مستقیما به این بچه بگویند خاک نخور بلکه یک شیرینی به دستش بدهند این بچه وقتی شیرینی را خورد دیگر خود به خود خاک نمی خورد و بجای اینکه بچه را از دروغ گفتن نهی کنید به او راست بگویند. پیامبر (ص) فرمود: من برای این برانگیخته شدم که جامعه را از لحاظ اخلاقی به پایه ای برسانم، پس جامعه ای که از لحاظ اخلاقی در جهت تنزل باشد در اصل این جامعه، جامعه مسلمان نیست و چنین جامعه ای اساس مسلمانیتش متزلزل است.

یک انسان مسلمان اندیشه بد در مغز او راه ندارد و هر آنچه موجب ذیلت است باید از روحش بیرون کند، شخص مسلمان نباید حسود باشد و بد دیگری را بخواهد اگر احساس کرد که نسبت به مردم حسادت دارد و یا نسبت به کسی بدخواه است چنین شخصی مریض است و باید خود را علاج کند. مسلمان البته تمام نغای

خدا

چيست؟ آیا بحث قدرت است و یا حکمت و یا بحث از عدالت و قهاریت نه خیر بلکه بحث از رحمت است که این صفت رحمت باید در صدر اعمال و رفتار و افکار یک مسلمان قرا

داشته باشد. حال باید دید رحمت یعنی چه؟ هر کدام از شما یک مدت در رحم مادر زندگی کرده اید و اما رحم چیست؟ آن جایی است که شما را در خود جای و گرم نگهداشت تا از آسیب در امان باشید از این رو به آن رحم گفته می شود، یعنی جای

رحمت، جایی که برای موجود درونش پناهگاه امنی است و محیط رحمت است در دنیا هم جامعه باید برای افرادش مثل همان رحم باشند، افراد جامعه باید در آن احساس آرامش و آسایش کنند و برای هم جلال مشکلات باشند نه اینکه نسبت به هم ایجاد مشکل کنند.

نیروهای مردم باید در حمایت مردم صرف شود نه در جهت مبارزه با هم، چون هر جامعه ای مقداری نیرو دارد در بعضی جوامع دیده می شود که این نیروها دست به دست هم داده و این جامعه را ترقی داده و توسعه می دهند ولی در بعضی جوامع تمامی نیروهایش صرف

مردم هم نسبت به هم مهربان باشند.

اولین نتیجه اش این است که نیروها به هدر نرفته و خشتی نمی شوند، اگر شما با کسی اختلافی داشته باشید آیا در این مبارزه خودتان هم رنج می‌برید یا نه؟ حال باید دید که چرا خودمان رنج می‌بریم؟ چون باید مقدار زیادی از فکرتان و روحتان و کل نیرو و وجودتان را برای مبارزه با دیگری صرف کنید پس مقداری از عمرتان کم شده مگر عمر و یا انرژی سرمایه نیست؟ بلکه سرمایه است ولی وقتی انسان این سرمایه را علیه نوع خودش بکار برد در نتیجه خودش متوقف شده و از عمر و انرژی خودش کم شده و چرا باید چنین باشد.

صفت رحمت اولین صفت خدا است و بزرگ ترین صفت پیامبر است که می‌فرماید: «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین» خداوند می‌فرماید: ای پیغمبر ما به تو رسالت دادیم تا اینکه نسبت به همه مردم مایه رحمت باشی به خاطر همین امت پیامبر اسمش رحمت است حال اگر این امت مظهر رحمت نشد دیگر دنباله رو پیغمبر نبوده و بین او و خدا فاصله ایجاد می‌شود و آن محیط، محیط جهنمی خواهد شد و یک عدم توجه به مساله رحمت، رحمت را عوض کرده و زحمت می‌کند چیزی که در لفظ یک فرق دارد ولی در معنا، کل معنا فرق می‌کند.

آن زحمت را که ما می‌توانیم تبدیل به رحمت بکنیم بخواهیم و با خدا پیمان ببندیم که خدایا دل ما را نسبت به مردم مهربان بگردان. آن وقت است که خواهید دید در و دیوار به شما لبخند شادی می‌زند و همه جا را با شاد و با نشاط می‌بینند.

و یکی از اصول اخلاقی که جامعه باید رعایت کند اتحاد و یگانگی در بین جمعیت است چون دوگانگی مخالف یکدیگر است و یگانگی یعنی توحید. جامعه‌ای که افتخار توحید را دارد وحدت را هم دارد اصلا وحدت زائیده عقیده توحید است و دروغ گفته آن جمعیتی که بگوید من یکتاپرست هستم ولی خودش را از مردم جدا بداند و در واقع اتحاد لازمه توحید است. چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصیحتم بنعمته اخوانا» می‌فرماید ای مردم همه به یک ریسمان واحد چنگ بزنید شما انسان‌ها در این خاکدان زمین مثل کسی هستید که در ته چاه قرار دارد و آن که در ته چاه قرار دارد باید کوشش کرده و از ته چاه خودش را بیرون بکشد که در محیط بیرون چاه نور و محیط وسیع و هوای سالم وجود دارد که در درون چاه هیچ یک از این‌ها وجود ندارد و در همان چاه دنیا خداوند یک ریسمان به طناب و رشته محکم اسلام را آویزان کرده تا شما بندگان یا چنگ‌زده‌ها به این ریسمان خود را به بالا برسائید تا از ظلمت چاه نجات پیدا کنید.

غیر از به حبل زلف مبین تو بند نیست

در چاه و هم دست دل ما به هیچ چیز

روی همین اصل خداوند گاهی از دین اسلام تعبیر به حبل نموده یعنی طناب و گاهی عروة الوثقی یعنی ریسمان محکم و چیزی که محکم بافته شده باشد یعنی دین اسلام به منزله همان ریسمان محکمی است که مردم را از چاه جهنم درآورده و در محیط نامحدود بهشت وارد می‌کند و اما اینکه فرمود «لا تفرقوا» یعنی این که ای

خودش

می‌شود مثل

بچه مارها که همدیگر را

می‌خورند در اینجا دیگر

نیرویی باقی نمی‌ماند. در یک جامعه

دو نفر وقتی همدیگر را می‌بینند به جای

آن که نشاط پیدا کنند و برای هم مایه

امیدواری باشند فعالیت‌های همدیگر را خشتی

می‌کنند و این چنین محیطی جهنم است.

و اما جامعه یا محیطی که مظهر آرامش و رحمت

و عطف باشد آنجا بهشت است. و اما لغت بشر یعنی

چه؟ بشر از مصدر بشارت است، یعنی وقتی دو انسان

همدیگر را ملاقات می‌کنند مانند این است که یک مژده خوبی

به آن‌ها داده باشند، شما تصور کنید وقتی یک مژده خوب به شما

می‌دهند چقدر خوشحال می‌شوید با دیدن همدیگر نیز باید به

همین اندازه خوشحال شوید، و اگر چنانچه در یک جامعه افراد

نسبت به هم مایه رنج و عذاب باشند آن جامعه نمی‌تواند بهشتی

باشد بلکه جهنمی کامل است. انسان از ماده انس است و اگر این

انس را از بین انسان‌ها بردارند دیگر انسان نیست ولو در صورت

انسان است اما وحش است چرا که انسان انس دارد بر خلاف وحش

که انس ندارد.

بی جهت نیست اولین صفتی که خداوند در قرآن برای ذات

القدس ذکر می‌کند صفت رحمت و رحمانیت و رحیمیت خداست که

مردم هم باید مظهر صفت خدا باشند، خداوند از مردم خواسته که از

صفات او پیروی کنند اگر دعای مؤمنین کبیر را خوانده باشید خواهند

دید که در آنجا خداوند هزار اسم دارد، یعنی باید از هر اسمی از اسماء

خدا اثری در وجود تو باشد، نماز را بر شما واجب کرد که در نماز

بگوئید بسم الله الرحمن الرحیم و بگوئید الرحمن الرحیم آیا

این به خاطر این است که فقط بگوئید؟ نه خیر چون گفتن تنها وقت

گیری است و یا اصلا اثر ندارد، بلی تنها گفتنی منم ثمر است، که

همراه توجه است یعنی باید توجه داشته باشیم که خداوند که رحیم

است پس انسان‌ها هم باید رحیم باشند و هر انسانی رحیم نباشد از

خدا دور است و وقتی هم بین جامعه‌ای و خدا فاصله ایجاد شد آن خلا

موجود را شیطان پر می‌کند. «الرحمون یرحمهم الرحمن فارحبوا

من فی الارض یرحمکم من فی السمآ» یعنی کسانی که در زندگی

نسبت به دیگران مهربان هستند و دیگران در محیط رحمت او زندگی

می‌کنند چنین کسانی مورد رحمت و عنایت خداوند رحمان هستند و

باید عبارت دیگر یعنی اینکه کسانی که در زمین هستند اگر نسبت به

خودشان مهربان باشند خدا هم نسبت به آن‌ها مهربان خواهد بود

پس نتیجه می‌گیریم که پدر و مادر باید بچه‌ها را دوست داشته باشند

و همچنین بچه‌ها پدر و مادرها را و جامعه افراد خودش را باید دوست

داشته باشد، سالخوردگان دوست جوانان و جوانان دوست

سالخوردگان باشند و محسوم کنید که چقدر لذت دارد در یک



شما حق ندارید تفرقه داشته باشید و

اگر در جامعه‌ای تفرقه وجود داشت آن جامعه از خدا دور

است و مشکل است که مسلمانیش قبول باشند و چطور می‌شود که

انسان فرمان صادره از طرف خدا را ندیده بگیرد در حالی که خداوند

نهی از تفرقه و نفرت کرده و امر به محبت و الفت فرموده است. در

دنباله این مطلب می‌فرماید: "و اذکروا نعمة الله علیکم إذا کتبتم

أعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً" ظاهراً خطاب به

اهل مدینه است ولی در اصل خطاب به تمام جماعات بشری است

توضیح مطلب در قالب یک مثال وقتی که پیامبر به مدینه تشریف

آوردند دو طایفه در مدینه وجود داشت یک طایفه اسمش اوس و

دیگری خزرج بود که طایفه اوس بالای مدینه و خزرج پائین مدینه و

همیشه با هم جنگ داشتند تا جایی که جنگ‌هایشان به زد و خورد

و خونریزی می‌کشید به طوری که این نزاع بین دو طرف خواب از

چشمان هر دو ربوده بود چون با هم دشمن خونی بودند می‌ترسیدند

که مبادا طایفه مقابل شیبخون بزند اما وقتی پیامبر (ص) به مدینه

تشریف آوردند به برکت اسلام به تنها خصومت این دو طایفه از بین

رفت بلکه یک انس و الفت واقعی بین آن‌ها به وجود آمد و باز در همین

مورد خداوند می‌فرماید: "کلوا و اشربوا ولا تسرفوا" بخورید و

بیاشامید ولی اسراف نکنید وقتی که می‌خواهید غذا بخورید به

اندازه‌ای که می‌خورید بکشید حتی اگر ده بشقاب هم می‌خورید نوش

جاتان اما اگر چنانچه ذره‌ای غذا بیرون ریختید اسراف است،

بخورید و بیخشید اما دور نریزید این هم ایجاد سلامت در این جهت

باز پیامبر (ص) فرمود: چه چیزی پاک است و چه چیزی نجس از

طریق هم ایجاد سلامت کردند. شخصی مسلمان به چیزی که آوده و

پلید است نزدیک نمی‌شود و اگر خدایی نکرده نزدیک شد آن طوری

که اسلام فرموده جبران می‌کند. فلذا جمعیتی که آوده نجاسات و

پلیدی‌ها شد سلامت ندارد همان طور که آوده روح سلامت ندارد

چنانچه فرمودند در شب قدر اگر در خانه‌ای سگ و مجسمه و شراب

باشد در آن خانه ملائکه نازل نمی‌شود چون ملائکه مظهر رحمت خدا

هستند یعنی در چنین خانه‌ای رحمت وجود ندارد و آن خانه همیشه

دچار زحمت و رنج است. و مظاهر این زحمت و رنج، سگ، مجسمه و

شراب و حتی این عکس‌هایی را که نسبت به امیرالمومنین علی (ع)

می‌دهند می‌باشد که خیلی بد است. در خانه هایتان می‌توانید یا علی،

هو العلی العظیم، حدیثی از پیامبر (ص) درباره علی (ع)، و لایه علی بن

ایطالب حسنی، بنویسید و خیلی خوب است ولی یک عکس را به

عنوان عکس علی (ع) آویزان نکنید چون این عکس علی (ع) نیست

که شما او را به این قیافه می‌شناسید.

وقتی ممنوع می‌شود پلیدی در انسان باشد به این معنا است که

انسان خانه‌اش را سالم و تمیز کند تا روح و فکرش سالم و تمیز شود.

مگر هدف این نیست که مردم سالم شوند پس از هر کجا شروع کنیم

جای دیگر هم سالم و پاک می‌شود اما اسلام در قسمت مال مردم

چطور سالم سازی می‌کند؟ می‌فرماید یک دهم مالتان را به دیگران

بدهید حال اگر ندادید اجتماعتان به آتش فقر دچار می‌شود طوری که

همه در آن آتش می‌سوزند و اگر این کار را کردید بقیه مالتان بیمه

است حالاً می‌توانید انتخاب کنید یا یک دهم را بدهید و بیمه شوید و یا

ندهید

تا دچار فقر و

بدبختی بشوید به

عنوان مثال اگر در یک محیط

تاریختن و نارسائی به وجود آمد مگر

در آن محیط می‌توان راحت خوابید پس

بباید مالتان را با برنامه‌ریزی دقیق پاک و

سالم کنید من می‌دانم مردم دنبال چه می‌روند؟

این مصارف زکات را که خدا معین کرده فقرا و

مساکین هم جز آن‌ها هستند.

فقرا کسانی هستند که خرج تمام سالشان را ندارند و

اگر برایشان همین امسال کمک نشود امسال یک ماه از

سالش کسر می‌شود و فردا دو ماه از سالش کسر می‌شود و دو

سه سال به این افراد که کمک نشود به صورت افراد مسکین

فرآمده و بلائی جان مردم می‌شوند پس از همان اول افرادی که

نقص و نارسائی دارند باید جلوی نقص و نارسائی آن‌ها را سد کنید

تا فقر در جامعه ریشه‌دار نشود و آتش فقر جامعه را نسوزاند و آتش

وقتی بوجود آمد می‌سوزاند.

فقرا کسانی هستند که به نان شبشان محتاج نیستند اما خرج

سالشان را ندارند اما مساکین کسانی هستند که هیچ ندارند حتی به

نان شب محتاج هستند و اما قاریین و مقروضین کسانی هستند که

قرض کرده‌اند به به خاطر هوی و هوس، حال به آن‌ها لطمه‌ای رسیده

و نمی‌توانند قرضشان را بپردازند به این‌ها از مصروف زکات می‌شود

کمک کرد و مصارف زکات هشت عدد هستند یعنی هشت رخنه که در

دیوار و اجتماع بوجود آید به وسیله این زکات سد می‌شود تا به وسیله

دشمن یعنی شیطان، فقر و فساد نفوذ نکند. و در آخر من باب تذکر

می‌خواهم عرض کنم که همه این عرائضی که خدمت شما بیان کردم

نه تنها فقط به خاطر شنیدن بلکه به عنوان یک داروی درد بود و اگر

غیر از این بود به زحمتش نمی‌ارزید بلکه آنچه مهم است شنیدن

سخنان و بکار بستن آن‌ها می‌باشد.

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام

سید محمد خلیل قوام